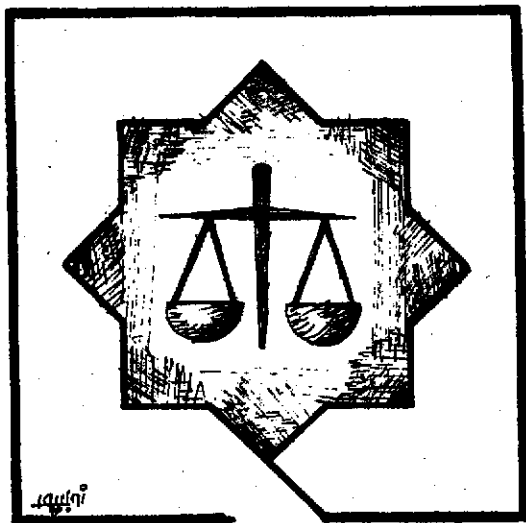


# شرح و تفسیر مواد قانون

## مجازات اسلامی



(قسمت هشتم)

■: محمدعلی اخترت (قاضی تجدید نظر استان تهران)

### «قسمت دوم»

#### مجازاتهای بازدارنده

ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی:

«مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.»

قانونگذار در بیان ذکر مجازاتها در فصل اول از باب دوم قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان «مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی»، نوع پنجم از آن را مجازات بازدارنده ذکر کرده است. بدون آنکه مشخص نماید که آیا مجازات بازدارنده همان اقدامات تأمینی و تربیتی است یا اقدامات مزبور، امری غیر از مجازات بازدارنده است؟!... مجازاتها در قانون ذکر شده اند اما اقدامات تأمینی و

تربیتی که با عناوین خاص در تقسیم بندی فصل قرار دارند، تعریف نشده و حتی یک مورد از آنها نیز تحت عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی مشخص نشده است. به نظر می رسد که مقصود از مجازات بازدارنده (با توجه به مثالهای ذکر شده از قبیل: تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی) همان اقدامات تأمینی و تربیتی باشد؛ هرچند که مجازاتهای حبس و جزای نقدی که جزو مجازاتهای اصلی ذکر شده اند، مجدداً به عنوان مجازات بازدارنده مورد توجه قانونگذار قرار گرفته اند که البته این از حیث ماده (۱۷) قابل انتقاد است.

از سوی دیگر، با توجه به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معینی ممنوع یا به اقامت در

محل معین مجبور نماید.»

با تلفیق دو ماده (۱۷) و (۱۹) ملاحظه می شود که:

۱- در ماده (۱۹) مجازات متمیمی، محرومیت از حقوق اجتماعی، اقامت اجباری در محل معین یا منع از اقامت در محل معین، مشخص شده است که همین امور در ماده (۱۷) به عنوان مجازات بازدارنده آورده شده است.

۲- حبس و جزای نقدی که در ماده (۱۷) ذکر آن آمده است در ماده (۱۹) مورد تصویب قرار نگرفته است. همان طور که گفتیم، حبس و جزای نقدی مذکور در ماده (۱۷) به عنوان مجازات بازدارنده آورده شده که در ماده (۱۶) قانون مجازات اسلامی، به عنوان مجازات اصلی ذکر شده است و تفاوت بین حبس و جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی مندرج در ماده (۱۶) و یا مجازات بازدارنده مندرج در ماده (۱۷) مشخص نیست.

۳- به طور دقیق مشخص نشده که مقصود از «مجازات متمیمی»، که یک

مجازات جداگانه است یا این مجازات تحت عنوان مجازات بازدارنده بررسی می شود؟

به نظر می رسد که مقصود از مجازات تنمیمی ذکر شده، همان مجازاتهای تکمیلی باشد که در تاریخ حقوق ما سابقه داشته؛ لذا مجازاتهایی هستند که با قید در حکم دادگاه برای مرتکب جرم در نظر گرفته می شوند.

۴- مقصود از کلمه "حکومت" در ماده (۱۷) مشخص نیست، زیرا حکومت مجموعه قوای سه گانه مملکتی است که با قبول اصل تفکیک قوا، هریک وظایف خویش را انجام می دهید. آیا مقصود از حکومت، قوه مجریه است یا قوای مقننه و قضائیه؟! رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰، مورخ ۷۳/۱۱/۵ مصداق حکومت را دادگاههای صالح می داند؛ به موجب این رأی:

« مجازاتهای بازدارنده مذکور در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۷۰/۵/۸ به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می تواند برطبق ماده ۱۹ قانون مجازات بازدارنده را هم به عنوان تنمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات بازدارنده تعزیری مانع مجازات بازدارنده نمی باشد.»

آیا با توجه به این رأی، می توان نتیجه گرفت که قاضی می تواند علاوه بر مجازات مندرج در قانون، مجازات دیگری را به عنوان مجازات بازدارنده، مورد لحوق

حکم قرار دهد، هر چند که این مجازات حبس یا جزای نقدی باشد؟

با توجه به نحوه انشای رأی وحدت رویه، تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی می تواند به صورت تعطیل محل کسب، لغو پروانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، اقامت در نقطه یا نقاط معین و یا منع از اقامت در محل معین باشد همچنین، تعیین مجازات جزای نقدی و حبس علاوه بر مجازات اصلی، خلاف نظر مقنن و صادر کنندگان رأی وحدت رویه است.

اقدامات تأمینی و تربیتی چه نوع اقداماتی هستند؟

این اقدامات، تصمیماتی هستند که مقامات صالح قضائی برای از بین بردن زمینه ارتکاب مجدد جرم به وسیله مرتکب، اتخاذ می نمایند. این اقدامات، از ابداعات مکتب "تحقیقی" حقوق جزا - که به خطرناکی مجرم و یا حالت خطرناک توجه وافر داشت - می باشد و تحت تأثیر این مکتب در قوانین مختلف جزایی به تصویب رسیده است؛ بر اثر دیدگاههای این مکتب، اقدامات تأمینی از جهت مینا و هدف و ساختمان مورد بررسی قرار گرفته است.

از نظر مینا، اقدامات تأمینی تنها با فرض وجود جرم انجام نمی گیرند و به طور کلی، در مورد کلیه افرادی که دارای حالت خطرناک هستند (حتی افراد غیر مسؤول مثل دیوانگان) باید اعمال گردد.

از نظر هدف - برخلاف مجازات - این اقدامات با هدف زجر و تنبیه و سرزنش مجرم نسبت به بزهی که انجام داده است، اعمال نمی شود بلکه هدف در دفاع از او و حمایت از جامعه در آینده است.

و دوازده برادر که هر کدام دوم دبیار برده اند بنابراین یک دینار برای تو بمانی مسیسی مانند.

\*\*\*

### خرافه

۱- سید رطبی رحمه الله نقل می کند هنگامیکه علی علیه السلام به جنگ با خوارج تصمیم گرفت، یکی از اصحاب باو گفت: اگر حالا حرکت کنی علامات نجومی نشان می دهد که موفق نمی شوی

علی علیه السلام فرمود: تو گمان می کنی اگر ساعت نحسی را به کسی نشان دادی و آن شخص در همان ساعت حرکت کرده، از بنیات مصون نیست یا ساعت خوبی را به کسی نشان دادی، او هم در آن ساعت حرکت کرد، از بدیها محفوظ است.

هر که در این باره گفته تو را تصدیق کنند قرآن را تکذیب کرده است و در جلب نفع و دفع ضرر، از خدایی نیاز شده است. ترا بستاند به خدا را سپس بمردم رو کرده گفت: ای مردم از یاد گرفتن علم نجوم بیش از آنچه شما را در خشکی و دریا راهنمایی کند دوری کنید، زیرا نجوم انسان را به کفایت می کشاند و منجم مانند کاهن و کاهن مثل ساحر و ساحر میبانتند کافر است و کافر در آتش است.

ای مردم بنام خدا در زمین بگردید و بگفته های منجمین توجه نکنید. این داستان به مناسبت نقل می شود.

\*\*\*

این اسباط از حضرت صادق علیه السلام نقل می کنند. بنا شد زمین میان یک نفر منجم و دیگری تقسیم شود، منجم منتظر ساعت

از نظر چگونگی - برخلاف مجازات که بر اساس تصمیم مقامات قضائی در مدت معینی صورت می پذیرد - اقدامات تأمینی باید براساس خطرناکی مجرم و اینکه آیا مجازات در او مؤثر بوده یا خیر، مورد تجدید نظر قرار گیرد.

نظرات افسراطی مکتب "تحقیقی"، به دلیل از بین بردن آزادیهای فردی مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چراکه اولاً از نظر مبنا؛ مفهوم "حالت خطرناک" تعریف نشده است و عدم تعریف قبلی این حالت به وسیله قانونگذار، موجب خودسری و استبداد در تعیین مجازاتهای مختلف و اقدامات تأمینی خواهد شد.

شایاناً از نظر هدف، اینکه گفته اند این گونه اقدامات رجز و تنبیه مجرم را در پی ندارد، هیچ نیست. این اقدامات به خودی خود با ایجاد محدودیتهای جنبه تنبیهی به خود خواهد گرفت. و ثالثاً، قابل تجدید نظر بودن این اقدامات پس از صدور حکم، به خودکامگی قضائی خواهد انجامید.

برای جبران این نقایص، مکتب "دفاع اجتماعی نوین"، هر چند حامی این گونه اقدامات است ولی عقیده دارد که باید حالت خطرناک تعیین و مشخص شود؛ اصل قانونی بودن مجازات همواره مورد احترام و توجه باشد و قاضی نیز در تعیین اقدامات تأمین مناسب همیشه حضور داشته باشد تا از خودکامگی جلوگیری به عمل آمده و این اقدامات در راه بازپروری و اجتماعی کردن مجرم مورد استفاده قرار گیرد.<sup>(۱)</sup>

قانونگذار در ایران، تحت تأثیر عقاید مکتب "تحقیقی" و "دفاع اجتماعی" - قبل از

انقلاب - قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مشتمل بر ۲۱ ماده را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ تصویب کرد، بموجب ماده "اول" این قانون:

«اقدامات تأمینی عبارتند از: تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنبه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می کند. مجرمین خطرناک، کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و

جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد؛ اعم از اینکه قانوناً مسؤول؛ باشد یا غیر مسؤول؛ صدور حکم اقدامات تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم شده باشد».

بسیار متوجه این ماده، مشخص می شود که قانونگذار با تجویز اعمال اقدامات تأمینی برای کسانی که مرتکب جرم شده اند در نظر داشته که متعاقب مکتب تحقیقی که اعمال اقدامات تأمینی را به مواردی که جرم واقع نشده بود، تفسیر می نمود، طرف بنیاد

در این قانون، اقدامات تأمینی به اقدامات سالب آزادی از ماده (۳ تا ۷)، اقدامات محدودکننده آزادی از ماده (۸ تا ۱۱)، اقدامات تأمینی مالی و غیر آن ماده (۱۲ تا ۲۰) تقسیم شده و محکومیتهای نظامی از دایره شمول آن خارج گشته است. البته اجرای این قانون تا به حال در بوته فراموشی قرار گرفته است، متعاقب آن قانونگذار در سال ۱۳۵۲، اقدامات تأمینی و تربیتی را به شرح ماده (۱۵) قانون مجازات عمومی در موارد زیر، فهرست نموده است:

- ۱- محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی.
- ۲- اقامت اجباری در محل معین.
- ۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین.
- ۴- ممنوعیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و الزام به انجام امر معین.
- ۵- تعیین مؤسسه.
- ۶- محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت.

قسمتی از اقدامات فوق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، به عنوان "مجازات بازدارنده" و نیز در ماده (۱۹) قانون مرقوم به عنوان "مجازات ترمیمی" آمده است که عبارتند از: محرومیت از حقوق اجتماعی لغو پروانه، تعطیل محل کسب، اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین. با توجه به منطک مطرح شده در مورد مجازات بازدارنده موضوع ماده (۱۱۷) و مجازات ترمیمی موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی و ابهام موجود، پیشنهاد می شود که مواد فوق، اصلاح و یا حذف شوند؛ به نحوی که در مواد جانشین و یا اصلاحی، اقدامات تأمینی و تربیتی مشخص گردیده و نحوه اقدام در مورد آنها دقیقاً تعیین شود. پس از بررسی اجمالی مجازاتهای بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی، به اختصار اقدامات تأمینی مندرج در مواد مورد بحث را بررسی می کنیم.

۱- تعطیل محل کسب: گاه صاحبان حرفه و مشاغل آزاد مرتکب بزهها و تخلفاتی می شوند که قانونگذار به عنوان مجازات بازدارنده تعطیل محل کسب را تجویز می نماید. برای مثال، به موجب

ماده (۲) قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام:

«کسانی که تا مبلغ بیست هزار ریال گرانفروشی کنند، در مرتبه پنجم به مدت شش ماه، و در مرتبه ششم به تعطیل و لغو پروانه واحد کسبی محکوم می‌شوند.»

در پاره‌ای از موارد، اجازه تعطیل محل کسب به مأمورین قوه مجریه داده شده است؛ از آن جمله است ماده سیزدهم از قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶، که به موجب قسمت اخیر این ماده، در صورتی که متخلف از مقررات بهداشتی نسبت به رفع نواقص اقدام ننماید، مسؤول بهداشت محل، دستور کتبی بر تعطیل موقت محل کسب را صادر خواهد کرد و ادامه کار منوط به این است که صاحب یا مدیر مؤسسه، مسؤول بهداشت را از اجرای مقررات مطمئن سازد.

۲- لغو پروانه: در بعضی از قوانین، تخلف از مقررات خاص موجب لغو پروانه می‌شود از جمله طبق ماده (۷۱۸) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵؛ در صورتی که راننده یا متصدی وسیله نقلیه در زمان وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده، یا با وسیله دارای نقص فنی رانندگی کرده، یا از محل عبور ممنوع حرکت یا در محل مخصوص عابر پیاده مراعات عابر را نکند؛ علاوه بر مجازات، دادگاه می‌تواند او را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی تصدی و وسایل نقلیه موتوری ممنوع کند.

به همین نحو، بموجب ماده (۱۳)

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مرداد ماه سال ۱۳۷۷، پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی که برای انبار کردن، تولید، توزیع مواد مخدر باشد، لغو می‌شود.

### ۳- محرومیت از حقوق اجتماعی:

مطابق ماده (۱۹) قانون مجازات عمومی مصوب سال (۱۳۵۲)؛ اشخاصی که به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به حبس جنایی محکوم و یا مجازات اعدام آنها به حبس جنایی تبدیل می‌شد؛ تنها از حقوق اجتماعی محروم می‌شدند و همین حکم در مورد افرادی صادر می‌شد که به مجازات جنحه‌ای موضوع باب دوم قانون مجازات عمومی و سرقت‌های جنحه‌ای، کلاهبرداری خیانت در امانت و جرایم در حکم آنها محکومیت قطعی پیدا می‌کردند.

با تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ و قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱، ذکری از تعریف و تعیین موارد محرومیت از حقوق اجتماعی نشده بود. بنابراین، ماده (۱۴) قانون راجع به مجازات اسلامی که از محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی سخن گفته بود، فاقد مصداق قانونی برای اجرای محرومیت از حقوق اجتماعی بود. با وجود این نقیصه - یعنی عدم ذکر مصداق محرومیت از حقوق اجتماعی - قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی تصویب شد. بموجب ماده (۶۲) مکرر الحاقی به قانون مجازات اسلامی:

محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، به شرح زیر محکوم علیه را از

حسب پیوسته بود تنها در آن ساعت قسمت خویش را بردارد. بالاخره منجم سهم خود را در ساعتی نیک برداشت سهم او بدتر و سهم اندکتر بهتر از آن آمد. منجم دستها را بهم زد و گفت: به خدا قسم این پیش آمد تاکنون برایم سابقه نداشته است، دیگری پرسید مگر چه شده است؟

گفت: من منجم هستم، سهم خود را در ساعتی نیک و سهم ترا در ساعتی نحس در آوردم، سهم تو خوب درآمد و سهم من بد.

آن شخص گفت: اکنون حدیثی که پدرم از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است برای تو می‌گویم:

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که می‌خواهد خدا او را گرفتاریهای شبانه روز برساند در اول شب و روز بخشش کند و من هنگام آمدن، صدقه دادم.

۲- شخصی به سهمی از مال خود وصیت کرد و مقدار آن را تعیین نمود.

چون بمرد میان ورثه در مقدار سهم اختلاف افتاد، از علی علیه السلام داوری خواستند.

علی علیه السلام گفت: یک هشتم مالش را جدا کنید، سپس به این آیه استدلال نمود: *وَأَنصَبَ الصَّدَقَاتِ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ* - تا آخر آیه.

زکات به هشت سهم تقسیم و هر سهمی یکی از طبقات مستحق می‌رسد.

۳- سردی وصیت کرد پس از مرگش بندگان قدیمی او را آزاد کنند.

هنگامی که درگذشت، بازماندگانش معنی قدیم را ندانستند از علی علیه السلام پرسیدند.

حقوق اجتماعی محروم می نماید:

- ۱- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.
- ۲- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم.
- ۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.

با توجه به ماده فوق مشخص می شود: اول اینکه؛ قانونگذار در تدوین ماده به محکومیت کیفری توجه داشته است و نوع جرم مورد نظر نبوده است. بنابراین، اگر کسی به اتهام کلاهبرداری به یک سال حبس محکوم شود، مشمول بند ۳ ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی نمی شود و از این جهت، ماده قابل انتقاد است. بعضی از جرایم هستند که نوعاً باعث از بین رفتن امنیت اجتماعی و اقتصادی می شوند و ضرر فراوانی به افراد جامعه وارد می سازند. جرایمی مثل سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... از این جمله است. بهتر بود قانونگذار در تعیین جرایم مشمول محرومیت، به نوع جرم توجه می کرد، نه به میزان مجازات. فرض کنیم شخصی به اتهام کلاهبرداری، محکوم به یک سال حبس تعزیری شود و دیگری به اتهام ایراد ضرب عمدی موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی، به چهار سال حبس محکوم می شود؛ مطابق بند "۳"، از ماده (۶۲) مکرر کسی که به اتهام کلاهبرداری مکرر، به یک سال حبس محکوم شود؛ مشمول مقررات مربوط به محرومیت از حقوق اجتماعی نمی شود ولی وارد کننده ضرب عمدی به دیگری تبعاً از حقوق اجتماعی محروم است.

بهتر است قانونگذار نوع جرایم

خاصی را موجب محرومیت از حقوق اجتماعی دانسته و قید محکومیت را مقید به نوع جرم سازد نه میزان مجازات! دوم اینکه؛ اجرای محرومیت از زمان پایان اجرای حکم محاسبه می شود. بنابراین، اگر کسی به مجازات حبس و... و تبعاً محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم

مجازات بازدارنده، تأدیب یا مسقویتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تسخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مساند آن

گردد، محرومیت موضوع بندهای ماده (۶۲) مکرر از زمان خاتمه اجرای حکم است. سوم اینکه: احکام موضوع ماده مرقوم باید قطعی شده باشند. و چهارم اینکه؛ در مورد محکومان به قطع عضو و شلاق، قطع عضو و شلاق باید به عنوان حد تعیین شده باشد؛ مثل محکومیت به قطع عضو در حد سرقت و محکومیت به شلاق در بزه شرب خمر. در تبصره "یک" ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی، ابتدا حقوق اجتماعی تعریف گردیده و سپس موارد آن در هشت بند ذکر شده است.

### تعریف حقوق اجتماعی:

«حقوق اجتماعی، عبارت از حقوقی است که قانونگذار برای اتیاع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه می باشد. از قبیل:

- الف: حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.
- ب: عضویت در کلیه انجمنها و شوراهای و جمعیهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند، مثل شورای شهر.
- ج: عضویت در هیأت های منصفه و امنا، مثل هیأت منصفه مطبوعات در جرایم مطبوعاتی.
- د: اشتغال به مشاغل آموزشی روزنامه نگاری.

ه: استخدام در وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی، شرکت، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.

و: وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری. ز: انتخاب شدن به سمت داور و کارشناسی در مراجع رسمی.

ح: استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری.

به موجب تبصره "۲"، در مورد مجازات اعدام، مدت محرومیت، هفت سال پس از توقف اجرای حکم به جهتی از

جهات تعیین شده است.

سؤالی که به نظر می‌رسد بدین مضمون که آیا این تبصره مشمول قصاص نفس نیز می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پس از صدور حکم قصاص نفس، اولیای دم گذشت‌کنند و مرتکب، طبق ماده (۲۰۸) قانون مجازات اسلامی به حبس تعزیری محکوم گردد؛ آیا تبعاً به مدت هفت سال از حقوق اجتماعی محروم می‌شود یا خیر؟... به نظر می‌رسد با توجه به جنبه حق الناسی بزه قتل عمد و اینکه مجازات مرتکب از جهت عمومی وفق ماده (۲۰۸)، مشمول مورد نخواهد بود. بلی، در صورتی که مرتکب به مجازات بیش از سه سال حبس تعزیری محکوم شود، به لحاظ شمول بند ۳ ماده (۶۲) مکرر، همین بند در مورد او اجرا خواهد شد. از این نظر بهتر بود قانونگذار، مجازات قصاص نفس را در صورت عدم اجرای مشمول مقررات تبصره ۲ ماده مرقوم قرار می‌داد.

به موجب تبصره ۳، در صورت گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت، آثار تبعی مجازات زایل شده است.

۴- اقامت در محل معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین: طبق ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی:

"محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین، باید متناسب جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد. در صورتی که محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه‌ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین در اثنای اجرای حکم، محل را ترک کند و یا به نقطه

ممنوعه باز گردد، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد دادرسی مجری حکم مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی یا زندان نماید."

با توجه به ماده فوق:

اولاً؛ مدت محرومیت از حقوق یا اقامت اجباری باید در حکم دادگاه قید شود؛ میزان آن را نیز قانونگذار به عهده قاضی گذاشته است که اصولاً نمی‌تواند بیشتر از حداکثر مجازات بزه ارتكابی باشد.

ثانیاً؛ مجازات تکمیلی مزبور باید متناسب با نوع جرایم ارتكابی باشد؛ تشخیص این مناسبت با توجه به عرف قضائی به عهده صادرکننده رأی است. معمولاً دادگاهها در مورد جرائم سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت و قدرت نمایی با چاقو، از این مجازات تکمیلی استفاده می‌کنند.

سوم اینکه؛ مجازات فوق باید با شخصیت مجرم تناسب داشته باشد که تشخیص آن مثل مورد دوم با قاضی صادرکننده رأی است. این مجازات، بیشتر در مورد مجرمین شرور و تکرارکنندگان جرم مورد توجه دادگاهها قرار گرفته است. قاضی جزایی می‌بایستی که با توجه به نوع جرم ارتكابی، چگونگی ارتكاب، بازتاب اجتماعی بزه شخصیت فردی و اجتماعی مجرم، مجازات تکمیلی را تعیین کند و به جنبه بازدارندگی مجازات چه از جهت شخص مجرم و چه از جهت سایر افراد جامعه توجه کند.

ادامه دارد...

پی نوشت:

1\_ Soyer Jean Claude  
Penalgeneral Paris 1990.p.134

علی علیه السلام گفت: هر نندای که شش ماه در ملک او بوده است آزادش کنید و به این آیه استشهد نمود: «والقمر قدرناه منازل حتی عادکالعرجون القدیم». برای ماه منزلهایی تقدیر کردیم تا مانند عرجون قدیم بار گردید.

۲- شخصی نذر کرده بوده زمانی روزه بدارد مدت زمان را نمی‌داند از علی علیه السلام پرسید. علی علیه السلام گفت: زمان پنجاه و حین شش ماه است. این قصه بداستان زیر می‌ماند:

متوکل عباسی بیمار شد نذر کرده مال کثیری را بخشد فقهای عامه در معنی مال کثیر اختلاف ورزیدند. برخی آن را ده هزار و دیگران صد هزار گفتند، متوکل نمی‌چند نزد امام هادی علیه السلام فرستاد تا از او بپرسد. امام هادی فرمود: معنی کثیر هشتاد است. بدلیل این آیه «لقد نصرکم الله فی مواطن کثیر» خدا شما را در موارد کثیری یاری کرده است و آنها هشتاد مورد بودند.

۵- پادشاه روم کتاب از معاویه پرسیدهای نمود که از جمله آنها معنی «لاشی» بود. معاویه آن را ندانست و متحیر ماند.

عمر بن خطاب به او گفت: اسب خوبی را برای فروش به لشکرگاه علی علیه السلام گسیل داد و چون بهای آنرا پرسیدند، بگویند لاشی است شاید معنی آن معلوم شود. آن شخص با اسب به لشکرگاه علی علیه السلام آمد.

علی علیه السلام با تمام قیصر به او برخورد. علی به قیصر گفت: با این معامله کن. قیصر هم بهای اسب را پرسید. آن شخص گفت: بهایش لاشی است. علی علیه السلام به قیصر گفت: اسب